

Designing a Model for the Development of Religious Culture with an Emphasis on Reference Groups

Rasool Eskandari¹

Fatemeh Azizabadi Farahani (Ph. D.)²

Mohsen Ameri Shahrabi (Ph. D.)³

Ali Akbar Rezaei (Ph. D.)⁴

Abstract

Systematic and comprehensive knowledge of the dimensions and components of religious culture is a necessary prerequisite for any practical action in the field of cultural development in societies with a religious background. This research seeks to provide a theoretical model for the development of religious culture. In this study, after posing the problem, the questions and objectives were expressed and then through semi-structured interviews, data were collected up to the stage of theoretical saturation and based on Grounded theory and paradigm model of Strauss and Corbin in three steps of open, axial and selective coding were categorized and analyzed using Nvivo software. In the process of conducting research, 78 initial codes obtained based on the paradigm model of Strauss and Corbin in the main classes of causal conditions (requirements and temporal and spatial developments), class or central phenomenon (dynamics based on ijtihad in religion), strategies or actions (effective institutionalization Religious culture), ruling context or context (moral competencies and social legitimacy), interventionist conditions (opportunities and peripheral threats to the development of religious culture) and consequences (development of structure and function of social system based on religious values) were categorized.

Keywords: *Development of religious culture, reference groups, Grounded theory.*

-
1. PhD Candidate, Department of Cultural Management and Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
 2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Cultural Management and Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
 3. Assistant Professor, Department of Management, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran
 4. Assistant Professor, Department of Cultural Management and Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

طراحی الگوی توسعه فرهنگ دینی با تأکید بر گروه‌های مرجع

رسول اسکندری*، دکتر فاطمه عزیز آبادی فرهانی**، دکتر محسن عامری

شهرابی*** دکتر علی اکبر رضائی****

تاریخ دریافت: 1399/07/27

تاریخ پذیرش: 1399/11/10

چکیده

شناخت نظام‌مند و جامع ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ دینی به عنوان لازمه و پیش شرط اساسی هرگونه اقدام عملی در زمینه توسعه فرهنگی در جوامع دارای پیش‌زمینه دینی به شمار می‌آید. این پژوهش به دنبال آن است تا یک الگوی نظری در رابطه با توسعه فرهنگ دینی ارائه نماید. در این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی و روش تئوری داده بنیان، داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، تا مرحله اشباع نظری جمع‌آوری گردید و سپس بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین در سه گام کدگذاری باز، محوری و انتخابی دسته‌بندی و تحلیل شدند. به منظور تسهیل فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نرم افزار NVivo استفاده شد. در این فرآیند 78 کد اولیه به دست آمده در طبقات اصلی شرایط علی (الزامات و تحولات زمانی و مکانی)، طبقه یا پدیده محوری (پویایی مبتنی بر اجتهاد در دین)، راهبردها یا کنش‌ها (نهادینه‌سازی اثربخش فرهنگ دینی)، بستر حاکم یا زمینه (صلاحیت‌های اخلاقی و مشروعیت اجتماعی)، شرایط مداخله‌گر (فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامونی فراوری توسعه فرهنگ دینی) و پیامدها (توسعه ساختار و کارکرد نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی) دسته‌بندی شدند.

کلیدواژه‌ها: توسعه فرهنگ دینی، گروه‌های مرجع، تئوری داده بنیان.

*. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران

rasooleskandari@iaubushehr.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

***. استادیار، گروه مدیریت، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

****. استادیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

تلاش و برنامه ریزی برای دستیابی به توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدون تمرکز بر فرهنگ در درازمدت اثرات مخربی به بار خواهد نشاند. توسعه فرهنگی زیر بنای توسعه همه جانبه است و نمی توان بدون اعتنا به آن به دنبال ایجاد تغییرات در ابعاد مختلف یک جامعه بود. در یک جامعه دینی و اسلامی که ماهیت ارزش های فرهنگی آن را آموزه های الهی تشکیل می دهد، یکی از عوامل مهم و بنیادی دین است؛ لذا واکاوی نقش دین در فرهنگ سازی و توسعه فرهنگی در این کشورها از جایگاه خاصی برخوردار است. دین، به عنوان یکی از عوامل مهم انسجام بخش جوامع، نیازمند آن است که در هر دوره توسط نسل های پیشین به نسل های بعد منتقل شود و توسعه یابد و با توجه به نیازهای روز جامعه، تعالیم آن به روز و به شیوه های مورد فهم و پسند نسل جدید، به آنان ارائه گردد. فرهنگ جوامع اسلامی به شدت متأثر از دین است، به گونه ای که هر گونه پیشرفت یا پسرفت فرهنگ، می تواند ریشه در دین داشته باشد. از سوی دیگر، اسلام مدعی است که دارای آیین زندگی برای تمامی انسان ها در طول نسل ها و عصرها است. این امر دغدغه ای شد تا در این تحقیق تلاش شود موضوع اسلام و توسعه فرهنگی به مثابه پدیده ای که هم معلول توسعه و هم زمینه ساز آن است با تأکید بر نقش گروه های مرجع تأثیرگذار مورد بررسی قرار بگیرد.

مدل ها و پژوهش های انجام شده، تا به حال رویکرد و نگاهی کلی به توسعه فرهنگ از زوایای مختلف داشته اند، اما در این میان کمبود تمرکز و یک نگاه تخصصی جامع به جنبه های فرهنگ یعنی فرهنگ دینی و توسعه این فرهنگ با کمک گروه های مرجع به خوبی دیده می شود. در چنین وضعیتی، ارائه مدل تحقق توسعه در حوزه فرهنگ دینی و نیز سازگاری این دو (توسعه و فرهنگ دینی) با هم ضروری می باشد. از این رو این پژوهش در نظر دارد تا با تأکید بر نقش گروه های مرجع تأثیرگذار بر توسعه فرهنگ دینی این مهم را محقق سازد.

نتیجه گیری کلی در بیان اهمیت تحقیق در طراحی الگوی مدیریتی توسعه فرهنگ دینی آن است که شناساندن چهره واقعی آموزه های ناب اسلامی به مخاطبان عصر جدید با روش های صحیح، ضروری به نظر می رسد. بنابراین شناخت الگوی توسعه فرهنگ دینی برای جذب نسل جدید و همچنین شناسایی موانع برای از میان برداشتن آنها بسیار ضروری است و می بایست با توجه به قدرت

و نفوذ گروه‌های مرجع در جامعه الگوی مناسب توسعه فرهنگ دینی در ایران ارائه شود. هدف کلی این پژوهش، طراحی الگوی توسعه فرهنگ دینی از طریق بررسی فرهنگ دینی و توسعه آن با تأکید بر نقش گروه‌های مرجع می‌باشد. این پژوهش بر آن است وضعیت کلی توسعه فرهنگ دینی را مورد بررسی قرار داده و از طریق تدوین الگوی نظری تبیین‌کننده توسعه فرهنگ دینی، راهکارها و پیشنهاداتی در زمینه توسعه صحیح فرهنگ دینی با توجه به دستاوردهای علمی پژوهش ارائه دهد. از اهداف ویژه این پژوهش می‌توان به مواردی همچون شناسایی عوامل علی مؤثر بر توسعه فرهنگ دینی، شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر توسعه فرهنگ دینی، شناسایی عوامل مداخله‌گر مؤثر بر توسعه فرهنگ دینی، شناسایی راهبردهای توسعه فرهنگ دینی، و شناسایی پیامدهای حاصل از راهبردهای توسعه فرهنگ دینی اشاره نمود.

از بعد تئوریکی اگر چه اطلاعاتی به صورت جسته و گریخته در منابع تفسیری و دینی گوناگون به منظور تحقق توسعه فرهنگ دینی و همین‌طور موانع پیش روی این راه، آورده شده است، ولی تا کنون تحقیق مستقلی که به طور خاص به ارائه الگوی توسعه فرهنگ دینی از طریق گروه‌های مرجع و نیز روش‌ها و موانع توسعه فرهنگ دینی بپردازد صورت نگرفته است و از این جهت پژوهش حاضر نو و جدید به شمار می‌رود. همچنین این تحقیق از منظر روش شناختی با استفاده رویکرد کیفی به الگوی توسعه مدیریت فرهنگ دینی پرداخته است که در نوع خود تاکنون مطالعه‌ای با این رویکرد انجام نشده و از این جهت هم حائز نوآوری می‌باشد.

ادبیات تحقیق و تعریف مفاهیم

مفهوم توسعه فرهنگی از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه چون توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد. بنابراین فرایندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها هویت و کارکرد ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه می‌باشد. منظور از توسعه فرهنگی دگرگونی‌ای است که از طریق تراکم برگشت ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل

موثری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می کند. در این تراکم برگشت ناپذیر، معارف، فنون و دانش و تکنیک به عناصری که از پیش وجود داشته و از آن مشتق شده، افزوده می شود (کوئن، 1372) نکته ای که در بحث از فضای عمومی مفهوم توسعه فرهنگی حائز اهمیت می باشد، این است که در مواردی توسعه فرهنگی را با فراموش کردن، بریدن و گسستن با سنت های گذشته می انگارند. در حالی که به تعبیری توسعه فرهنگی به معنای گسستن از سنت های گذشته نیست. زیرا سنت ها انباشت و ذخیره تجارب گذشته یک جامعه است. توسعه بر مبنای گسترش سنت ها و تجارب گذشته صورت می گیرد و نه بر اساس نفی آن ها. توسعه فرایندی است که در آن سنت ها و تجارب گذشته از نو و بر اساس نیازها و شرایط تازه بازنایشی و بازسازی می شوند و از این طریق جامعه خود را بارور می کند و توانایی های بالقوه انسان ها شکوفا می شود. از این جهت مفهوم هویت فرهنگی از مفهوم توسعه جدا نیست (ازکیا و غفاری، 1379، 19-20). منظور از توسعه فرهنگ دینی توسعه اندیشه ها، احساسات و رفتارهایی است که در اعتقادات و باورهای دینی افراد ریشه دارد. بدین ترتیب با توجه به اهمیت دین و مذهب بر سایر حوزه های فرهنگ عمومی جامعه، می بایست عوامل متعدد و واجد اهمیتی که تبیین کننده توسعه فرهنگ دینی می شود را در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد.

در فرآیند شکل گیری نگرش، تصمیم گیری و کنش افراد در جامعه، عواملی چند نقش دارند. از جمله مهمترین آنها افراد یا گروه های مرجع اند که مبنای معیار داوری و ارزیابی کار کنش گران اجتماعی قرار می گیرند. گروه های مرجع در رشد و انحطاط افراد و جوامع نقش به سزایی دارند. گروه مرجع، گروهی است که شخص آن را معیار مقایسه و داوری و نیز تصمیم گیری در باره عقایدش قرار می دهد، چه در آن عضو باشد و یا نباشد. گروه های مرجع منبع الهام بخش برای شکل گیری نگرش ها، ارزیابی ها و رفتار، مرجع اخذ هنجارها، اهداف، الگویی برای همانندسازی و... هستند. این گروه ها نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری و ایجاد هویت اجتماعی افراد دارند (کوپر و کوپر، 20). گروه مرجع به گروه یا فردی گفته می شود که شخص به هنگام ارزیابی، جهت گیری و رفتار، تصویری را که از انتظارات و معیارهای وی یا آنها دارد به عنوان راهنما و الگو در نظر می گیرد (هزار جریبی و آقابیکگی کلاکی، 1390). این نوع گروه ها دو کارکرد عمده هنجاری و مقایسه ای دارند: الف) هنجار و رویه و ارزش ها و باورهایی را به دیگران القا می کنند و به اصطلاح

کارکرد هنجاری دارند، و ب) استانداردها و معیارهایی در اختیار کنشگران قرار می‌دهند که کنش و نگرش خود را با آنها محک می‌زنند و اصطلاحاً کارکرد مقایسه‌ای و تطبیقی ایفا می‌کنند (صدیق سروسرستانی و همکاران، 1391). به این علت که افراد در جامعه و در ارتباط با یکدیگر زندگی می‌کنند و این توانایی را ندارند که با ملاک‌های عینی به صحت رفتارها یا باورهای خود یقین پیدا کنند، مقایسه با گروه‌های مرجع و ارجاع به آنها راهی برای برون‌شدن از این معضل می‌باشد. گروه مرجع با گذشت زمان و تغییر مکان ثابت نیست و نسبی می‌باشد (میرسندسی و همکاران، 1393). با توجه به جایگاه و نقش مهم گروه‌های مرجع در فرهنگ‌سازی، این گروه‌ها دارای شاخص‌هایی می‌باشند که می‌توان با بررسی آن شاخص‌ها، به بررسی راهکارهای توسعه فرهنگ دینی پرداخت. این شاخص‌ها شامل: منبع الهام بخش برای شکل‌گیری باورها و نگرش و رفتارها، مرجع اخذ هنجارهای معنی بخش به زندگی، منبع دریافت اهداف، الگویی برای همانندسازی، مرجعی برای این که فرد خود را به آنها مربوط می‌داند، (حاتمی و همکاران، 1395). با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده، پیشینه پژوهش‌های پیشین در جدول 1 بیان شده است.

جدول 1. پژوهش‌های پیشین

نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	مهمترین یافته‌ها
فولادی (1391)	مروری بر عوامل مؤثر در تغییر ارزش‌ها در جامعه دینی	از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تغییر در ارزش‌ها که رویکرد افراد جامعه را در پایداری به ارزش‌های اجتماعی و دینی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند عبارتند از: بازیچه‌شدن دین، برخورد گزینشی با ارزش‌ها و عناصر دینی، ناسازگاری میان عمل و ادعای مدعیان دینداری، عدم رعایت اصول رفتاری در دعوت به دین، ناتوانی در تأمین نیازمندی‌های ضروری عمومی در جامعه دینی

نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	مهمترین یافته ها
مرادی حقیقی و موثقی گیلانی (1394)	کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی	اولویت تغییرات بنیادین و فلسفی در قالب فرهنگ توسعه ی مبتنی بر مذهب، توازن مطلوب با توجه به شاخص های فرهنگی و اجتماعی دین اسلام و آگاهی موثر سیاستگذاران مالزیایی از سنت های مطلوب فرهنگی در چارچوب مذهب، زمینه ساز ارتقای سطح فکری جامعه و شکل گیری فرهنگ مطلوب توسعه گردیده است
خوشدل، فقهی زاده، و تهرانی (1396)	روش های توسعه ی فرهنگ دینی و موانع آن در قرآن و حدیث	جامعه ای می تواند به اسلام منتسب باشد که شاخصه های اساسی مورد تاکید اسلام مانند اعتقادات صحیح، عدالت ورزی، پابندی به اخلاق اسلامی، اصل تکریم انسان، پروا داری و اعتقاد به موازین دینی، در آن ظهور یافته باشد. همچنین به منظور توسعه فرهنگ دینی بر سازو کارهایی نظیر نشان دادن وجوه زیبای آموزه های اسلامی، بالابردن سطح آگاهی های دینی، ارج گذاری به کرامت انسانی در مواجهه با غیر مسلمانان، رعایت عدالت، احترام به حقوق تک تک افراد جامعه و ارزشمند دانستن آن، رفق و مدارا و الگودهی های مناسب تاکید شد. در این پژوهش موانع توسعه فرهنگ دینی به دو دسته ی موانع درونی (وارونه نشان دادن اسلام، پیراسته کردن ظواهر اسلامی از اخلاق اسلامی، افراط و تفریط، عمل کردن گزینشی به دین، سیاست های ناصحیح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ترویج خرافات، معنویت زدایی از دین) و بیرونی (ترویج فرهنگ های بیگانه و ضد دینی و تبلیغات ویرانگر به قصد تخریب چهره ی اسلام) تقسیم بندی شدند.

نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	مهمترین یافته ها
سنچولی (1396)	تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	شاخصه های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت عبارتند از: ابتناء بر عدالت و معنویت، انطباق با مقتضیات بومی، و تضمین استقلال کشور. از جمله الزامات تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید شده در این پژوهش می توان به 1- تحول در علوم اجتماعی و علوم انسانی، مبتنی بر آموزه های وحیانی؛ 2- شناسایی و سازماندهی صاحب نظران مسلمان؛ 3- برنامه ریزی برای آموزش و ترویج الگوی طراحی شده؛ 4- حفظ استقلال جمهوری اسلامی ایران؛ 5- حفظ وحدت و استحکام اجتماعی اقشار مختلف و تمامی مسلمانان؛ 6- تدریجی بودن تحقق آن؛ 7- استفاده از تجارب موفق در جهان؛ 8- مبارزه همه جانبه با نظام سلطه و افشای ماهیت آن؛ 9- ایجاد امیدواری در مردم به ویژه جوانان؛ 10- حمایت از محرومین و مستضعفان جهان؛ 11- تقویت فرهنگ کار و تلاش و جهاد اقتصادی؛ 12- تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی در همه ابعاد؛ 13- حفظ و تحکیم بنیان خانواده و پایه ریزی نظام تعلیم و تربیت اسلامی؛ و 14- تاسیس حلقه های فکری و کرسی های نظریه پردازی و توسعه همه جانبه علم، فناوری و تفکر اشاره نمود

نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	مهمترین یافته ها
رانکو و جاگر (2012) ¹	دین، مذهب و طبقه بندی فرهنگی	بین دین و مصرف فرهنگی رابطه مثبت وجود دارد. اما در مورد رابطه بین مذهب و مصرف فرهنگی شواهد کمی وجود دارد و تاثیر مذهب بر مصرف فرهنگی به عوامل اجتماعی - اقتصادی مانند تحصیلات و وضعیت اجتماعی - اقتصادی وابسته است. به طور کلی نتایج نشان داد که الف) افراد مذهبی تمایل دارند فعال باشند، بنابراین بیشتر به خدمات فرهنگی رجوع می کنند و همچنین در مشارکت فرهنگی فعال هستند. ب) سطح مشخصی از مذهب با تنظیم استانداردهای روابط اجتماعی، بر مصرف فرهنگی تاثیر می گذارد ج) مذهب نقش مهمی را در ایجاد مرزهای تمایز فرهنگی ایفا می کند

از بعد تئوریکی اگر چه اطلاعاتی به صورت جسته و گریخته در منابع مختلف به منظور تحقق توسعه فرهنگ دینی و موانع پیش روی این راه، آورده شده است، ولی تا کنون تحقیق مستقلی که به طور خاص به ارائه الگوی توسعه فرهنگ دینی از طریق گروههای مرجع و نیز روش ها و موانع توسعه فرهنگ دینی بپردازد صورت نگرفته است و از این جهت پژوهش حاضر نو و جدید به شمار می رود. همچنین این تحقیق از منظر روش شناختی با استفاده رویکرد کیفی به الگوی توسعه مدیریت فرهنگ دینی پرداخته است که در نوع خود تاکنون مطالعه ای با این رویکرد انجام نشده و از این جهت هم حائز نوآوری می باشد.

روش تحقیق

این پژوهش به فراخور شرایط خود از نظر هدف، کاربردی است؛ از نظر گرایش پژوهش، از نوع تصمیم گرا است؛ و از نظر رهیافت غالب پژوهش، توصیفی بوده و از پارادایم پژوهش کیفی در انجام آن بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش شامل سه دسته کلی می باشد: 1- روحانیون سطح چهار (به عنوان متولیان امور مذهبی تاثیر گذار در توسعه فرهنگ دینی)؛ 2- اساتید دانشگاه

1. Runco & Jaeger

(به عنوان متولیان آموزش رسمی و تاثیر گذار در توسعه فرهنگی)؛ و 3-مدیران فرهنگی (به عنوان سیاستگذاران و مجریان امور فرهنگی). نمونه گیری در این پژوهش از نوع نمونه گیری غیراحتمالی، رویکرد نمونه گیری هدفمند و روش نمونه گیری گلوله برفی می باشد و در انجام فرآیند نمونه گیری بر روش نمونه گیری نظری¹ تأکید شد و حجم نمونه نیز بر اساس اشباع نظری² تعیین شد که با انجام 25 مصاحبه نیمه ساختار یافته با صاحب نظران آشنا و مرتبط با موضوع توسعه فرهنگ دینی این امر محقق شد. در نهایت، داده‌های کیفی این پژوهش، بر مبنای الگوی پارادایمی استراوس و کوربین مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

در این پژوهش با توجه به داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌های نیمه‌باز با مشارکت کنندگان، نسبت به کدگذاری و تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین اقدام شد.

1- کدگذاری باز

طی کدگذاری باز، متن حاصل از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و منابع چندرسانه‌ای آرشیوی در قالب 78 کد اولیه مفهوم‌سازی و کدگذاری شدند. در ادامه، مفاهیم استخراج شده با یکدیگر مقایسه شده و موارد مشابه حول محور مشترکی قرار گرفتند و طبقات گسترده‌تر و انتزاعی‌تری را تشکیل دادند. یافته‌های فرآیند کدگذاری باز بر اساس برجسب‌های مفهومی (متشکل از کد اولیه، مفهوم و مقوله) در جدول 2 ارائه شده است و مدل شماتیک حاصل از این فرآیند نیز در شکل 1 نمایش داده شده است.

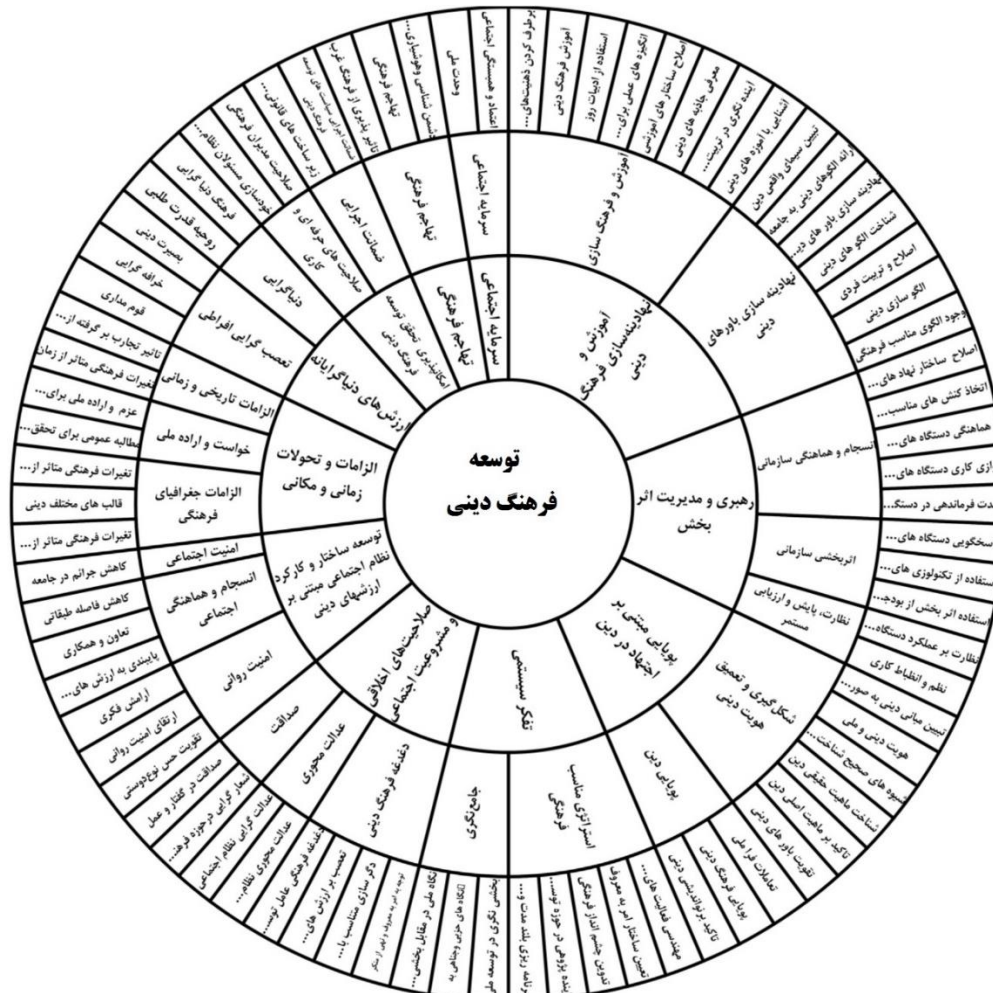
جدول 2. مفهوم‌سازی حاصل از داده‌های پژوهش (کدگذاری باز)

1. Theoretical Sampling
2. Theoretical Saturation

مقوله	مفهوم	کد اولیه
الزامات و تحولات زمانی و مکانی	الزامات جغرافیای فرهنگی	تغییرات فرهنگی متأثر از موقعیت جغرافیای
		قالب های مختلف دینی
		تغییرات فرهنگی متأثر از شرایط اجتماعی
	الزامات تاریخی و زمانی	تأثیر تجارب بر گرفته از وقایع تاریخی در توسعه فرهنگی
		تغییرات فرهنگی متأثر از زمان
	خواست و اراده ملی	عزم و اراده ملی برای توسعه فرهنگ دینی مطالبه عمومی برای تحقق توسعه فرهنگ دینی
پویایی مبتنی بر اجتهاد در دین	شکل گیری و تعمیق هویت دینی	تقویت باور های دینی تاکید بر ماهیت اصلی دین شناخت ماهیت حقیقی دین شیوه های صحیح شناخت دین هویت دینی و ملی تبیین مبانی دینی به صورت کاربردی و به زبان روز
	پویایی دین	تاکید بر نواندیشی دینی پویایی فرهنگ دینی تعاملات فرا ملی
	تهاجم فرهنگی	دشمن شناسی و هوشیاری فرهنگی تهاجم فرهنگی تأثیر پذیری از فرهنگ غرب
	ضمانت اجرایی	ضمانت اجرایی سیاست های توسعه فرهنگ دینی زیر ساخت های قانونی توسعه فرهنگ دینی
	صلاحیت های حرفه ای و کاری	صلاحیت مدیران فرهنگی خودسازی مسئولان نظام اسلامی
	صداقت	صداقت در گفتار و عمل شعار گرایی در حوزه فرهنگ دینی
صلاحیت های اخلاقی و مشروعیت اجتماعی	عدالت محوری	عدالت گرایی نظام اجتماعی عدالت محوری نظام حکمرانی
	دغدغه فرهنگ دینی	دغدغه فرهنگی عامل توسعه فرهنگی تعصب بر ارزش های فرهنگی دگر سازی متناسب با ارزش های نظام اسلامی

مقوله	مفهوم	کد اولیه
ارزش‌های دنیاگرایانه	دنیاگرایی	توجه به امر به معروف و نهی از منکر
		فرهنگ دنیاگرایی
		روحیه قدرت طلبی
	تعصب گرایی افراطی	بصیرت دینی
		خرافه گرایی
		قوم مداری
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	اعتماد و همبستگی اجتماعی
		وحدت ملی
آموزش و نهادینه‌سازی فرهنگ دینی	آموزش و فرهنگ سازی	آشنایی با آموزه های دینی
		آینده نگری در تربیت فرزندان
		معرفی جاذبه های دینی
		اصلاح ساختار های آموزشی
		انگیزه های عملی برای گرایش به دین
		استفاده از ادبیات روز
		آموزش فرهنگ دینی
		برطرف کردن ذهنیت‌های منفی نسبت به دین
		وجود الگوی مناسب فرهنگی
	نهادینه سازی باورهای دینی	الگو سازی دینی
		اصلاح و تربیت فردی
		شناخت الگو های دینی
		نهادینه سازی باور های دینی توسط نهاد خانواده
		ارائه الگوهای دینی به جامعه
		تبیین سیمای واقعی دین
		وحدت فرماندهی در دستگاه های فرهنگی
		موازی کاری دستگاه های فرهنگی
		هماهنگی دستگاه های فرهنگی
رهبری و مدیریت اثر بخش	انسجام و هماهنگی سازمانی	اتخاذ کنش های مناسب فرهنگی
		اصلاح ساختار نهاد های فرهنگی
		استفاده اثر بخش از بودجه های فرهنگی
		استفاده از تکنولوژی های نوین در جهت توسعه فرهنگ
		اثر بخشی سازمانی

مقوله	مفهوم	کد اولیه
نظارت، پایش و ارزیابی مستمر		دینی
		پاسخگویی دستگاه های فرهنگی
		نظم و انضباط کاری
		نظارت بر عملکرد دستگاه های فرهنگی
جامع نگری		نگاه ملی در مقابل بخشی نگری
		نگاه های حزبی و جناهی به مقوله فرهنگ
		بخشی نگری در توسعه ملی
		برنامه ریزی بلند مدت و استراتژیک
تفکر سیستمی	استراتژی مناسب فرهنگی	آینده پژوهی در حوزه توسعه فرهنگ دینی
		تدوین چشم انداز فرهنگی
		تعیین ساختار امر به معروف
		مهندسی فعالیت های فرهنگی
		کاهش فاصله طبقاتی
توسعه ساختار و کارکرد نظام اجتماعی مبتنی بر ارزشهای دینی	انسجام و هماهنگی اجتماعی	تعاون و همکاری
		پایبندی به ارزش های فرهنگ دینی
		آرامش فکری
	امنیت روانی	ارتقای امنیت روانی
		تقویت حس نوع دوستی
		کاهش جرائم در جامعه
	امنیت اجتماعی	

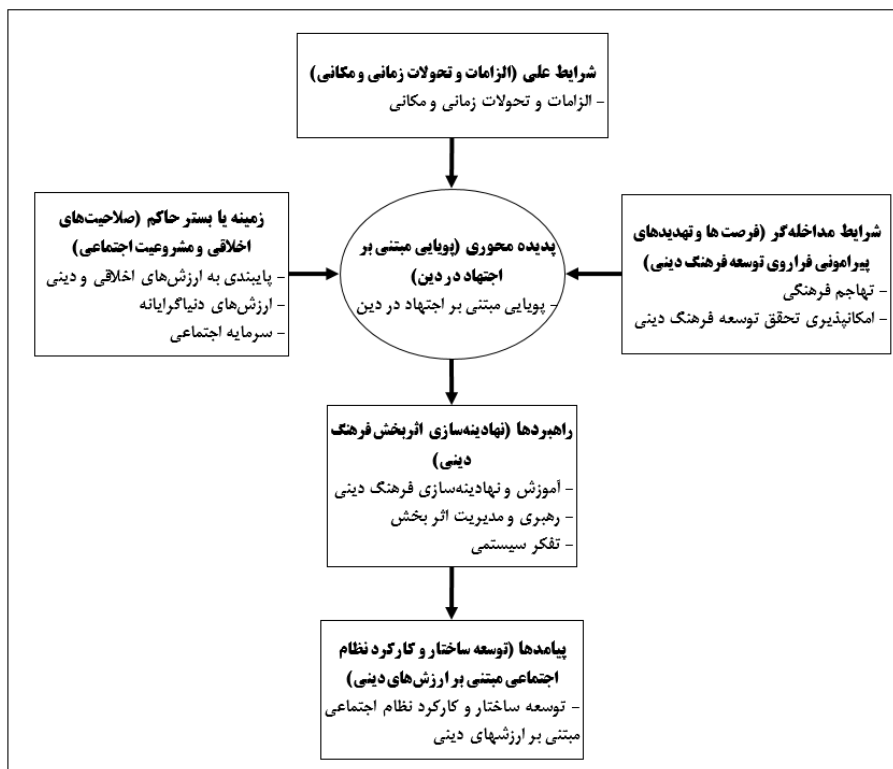


شکل 1. مدل شماتیک حاصل شده از کدگذاری باز

2- کدگذاری محوری

در این مرحله، یک طبقه اصلی (متشکل از مقوله‌های ثانویه دارای ارتباط مفهومی درونی) با عنوان «پویایی مبتنی بر ابتعاذ در دین» ایجاد شد و در مرکز فرآیند کدگذاری محوری قرار گرفت. با توجه به این طبقه اصلی که از آن به عنوان پدیده محوری یاد می‌شود، دیگر مقوله‌های

ثانویه حاصل از کدگذاری باز در سطح بالاتری مفهوم سازی شدند و سایر طبقه های اصلی شکل گرفتند. در نهایت، بر اساس ماهیت طبقه های اصلی ایجاد شده و روابط بین آنها، الگوی نهایی پژوهش شکل گرفت (شکل 2).



شکل 2. الگوی پارادایمی توسعه فرهنگ دینی

- شرایط علی (الزامات و تحولات زمانی و مکانی)

• الزامات و تحولات زمانی و مکانی

پویایی مبتنی بر دین همچون سایر پدیده های فرهنگی و اجتماعی همواره تحت تاثیر الزامات زمانی و مکانی قرار دارد. از جمله عناصر مهمی که در همه مسایل از جمله مباحث فقهی، اعتقادی، فعالیت های دینی و فرهنگی مورد تاکید و توجه قرار دارد، موضوع جغرافیایی فرهنگی است؛ در

واقع با توجه به تغییر موقعیت ها و شرایط مکانی می بایست به این مساله توجه ویژه کرد. توجه به الزامات تاریخی و زمانی و در عین حال شناخت دقیق از شرایط و نیازهای مخاطب نیز می تواند موجبات توسعه فرهنگ دینی و کسب موفقیت های بیشتر و بهتری در این زمینه را فراهم آورد. از سوی دیگر، تحقق توسعه فرهنگ دینی در جامعه مستلزم خواست و اراده ملی می باشد و بدون توجه به این موضوع این امر مهم محقق نخواهد شد. در این رابطه برخی از مشارکت کنندگان چنین اظهار داشتند:

«... چون انسان ها در زمان ها و مکان های مختلف می آیند و در شرایط اجتماعی و جغرافیایی متفاوت می آیند و در شرایط اجتماعی متفاوتی رشد می کنند. بنابراین اینها با وجودی که دین ثابتی دارند ولی قالبهای اجتماعی متغیر دارند پس فرهنگ ها متفاوت می شود.»

«... گاهی اوقات ما چیزی را می خواهیم ولی عزمی برای آن نداریم ... خواستن تنها کافی نیست این خواستن باید همراه با یک عزم و یک اراده منطقی حساب شده فکری همراه باشد و تا زمانی که آن عزم نباشد این خواسته ها و آرزوها به جایی نمی رسد.»

- پدیده اصلی (پویایی مبتنی بر اجتهاد در دین)

• پویایی مبتنی بر اجتهاد در دین

زندگی بشر، همواره رو به تکامل و توسعه مادی است. این پیشرفت ظاهری، در مسائل فرهنگی نیز، نقش آفرین است. پویایی بر اساس شرایط و نیازها ما حاصل و نتیجه جامعیت، جاودانگی و جهانی بودن دین اسلام است. به بیان روشن تر، نیاز های انسان به دو دسته نیازهای ثابت همگانی و همیشگی و نیاز های متغیر و مقطعی (مخصوص زمان یا مکانی خاص) تقسیم می شوند. اسلام برای نیاز های ثابت بشر قوانینی ثابت در نظر گرفته است (مانند قوانین اخلاقی و عبادات که همیشه ثابت هستند) و برای اوضاع و احوال متغیر بشر که به طور پیوسته تغییر می کند قوانین فرعی خاص و متناسبی ارائه می کند. در این خصوص یکی از مصاحبه شوندگان اظهار داشت:

«... در سالهای گذشته مرجعی بر حسب مقتضیات فعلی را حرام می دانست ولی در حال حاضر و مقتضیات امروز زمان آن مرجع همان فعل را حلال می داند. پس در واقع می توانیم بگوییم که توسعه فرهنگی دینی یعنی الزامات فرهنگ دینی است در واقع دین برای اداره امور جامعه انسان

ها و پرورش روح انسان هاست. در نتیجه با تحولات اجتماعی و پیشرفت صنعت تکنولوژی و فناوری باید این فرهنگ دینی تغییر کند و پیشرفت کند و به روز شود.»

- عامل مداخله گر (فرصت ها و تهدید های پیرامونی فرا روی توسعه فرهنگ دینی)

• تهاجم فرهنگی

امروزه فرهنگ اصیل دینی و اسلامی با حملات همه جانبه فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده مواجه می باشد که با هدف سست کردن اعتقادات دینی عموم افراد به ویژه جوانان شکل گرفته است. از این رو لزوم شناخت دشمن و روشهای مختلف و پیچیده مورد استفاده آن در جهت تخریب ارزشهای اسلامی و افزایش هوشیاری و آگاهی و بصیرت در جهت برخورد و مقابله به موقع و صحیح در این تقابل فرهنگی ضروری و لازم است. مشارکت کنندگان در این پژوهش بر این موضوع تاکید داشتند چنان که یکی از آنان در این خصوص گفت:

«... متأسفانه جامعه کنونی تحت تأثیر فرهنگ غیردینی قرار گرفته و در برخی موارد در زندگی اجتماعی نیز مظاهر این فرهنگ غیراسلامی مشاهده می شود. باید ویروس های مخرب داخلی و خارجی را به خوبی بشناسیم چرا که آنان که زمانی سیطره کامل بر این ملک داشتند و الان ندارند هرگز بی کار نمی نشینند.»

• امکانپذیری تحقق توسعه فرهنگ دینی

تجارب تاریخی حاکی از آن است که توسعه فرهنگ دینی مطلوب و آرمانی، زمانی امکان پذیر است که برنامه های تدوین شده از ضمانت اجرایی و قانونی برخوردار بوده و مجریان آن در سطوح مختلف از صلاحیت های حرفه ای، کاری و اخلاقی لازم به منظور پیاده سازی آن برخوردار باشند. یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه چنین اظهار داشت:

«در حکومت اسلامی و دولت دینی، همه ی مردم اعم از دولتمردان و دیگر اقشار مردم، تابع قانونند و در چهارچوب ترسیم شده، زندگی می کنند و هرگز اعضای دولت و متصدیان امور، تافته ی جدا بافته نیستند.»

فرد دیگری با تأکید بر انتخاب شایسته و نظارت دقیق بر کارگزاران چنین بیان داشت:

«... مسئولین باید در جایگاه متناسب با شأن و شغلشان قرار گرفته باشند و بر کارهایشان

نظارت دقیق و مستمر انجام شود.»

- زمینه (صلاحیت‌های اخلاقی و مشروعیت اجتماعی)

• پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، متولیان و کارگزاران توسعه فرهنگ دینی کشور می‌بایست ضمن داشتن دغدغه فرهنگ دینی، میان گفتار و عمل آن‌ها همخوانی وجود داشته باشد و به دور از تعصبات و تبعیض‌ها و بر اساس معتقدات دینی یا دست کم بر اساس ملاحظات انسانی و عقلایی، روابط اقتصادی جامعه را بر اساس عدالت شکل دهند. تنها در این صورت است که مشروعیت و صداقت گفتار و عمل و آن کارگزاران، و در سطح بالاتر، نظام حکمرانی دینی برای عموم مردم مسجل می‌شود. بر تأیید این مدعا یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار نمود:

«... این که افراد و احزاب یک حرفی بزنند و بعدش جور دیگری رفتار کنند یک فاجعه است... البته اینجا شعاری هم برخورد نکنیم که باعث می‌شود که هدف را گم کنیم.»

• ارزش‌های دنیاگرایانه

دنیاه‌گرایی به عنوان یک آسیب فرهنگی در حوزه توسعه فرهنگ دینی به شمار می‌آید. از این‌رو هر نوع دنیاه‌گرایی و تعصب مبتنی بر ارزش‌های دنیاگرایانه منجر به وارد شدن آسیب‌های جدی بر کرامت انسان و فرهنگ دینی خواهد شد.

«... مادی‌گرایی و تجمل‌گرایی از جمله مواردی بود که در قبل از انقلاب خیلی پررنگ بود و در زمان انقلاب خیلی از آنها از بین رفت ولی دوباره پررنگ شد... امروز هم اگر روحانیت روحیه طلبگی را حفظ کند و از تشریفات و دنیاطلبی و زیورهای مادی پرهیزد خواهد توانست رسالت بزرگ فرهنگی خویش را در جامعه عملی نماید.»

• سرمایه اجتماعی

وجود سرمایه اجتماعی مناسب به عنوان بستری مناسب برای توسعه فرهنگ دینی محسوب می‌گردد و به‌طور متقابل از فرهنگ دینی نیز در جهت ارتقای خود تأثیر می‌پذیرد. یکی از مشارکت‌کنندگان ضمن تأکید بر عزم و اراده ملی برای توسعه فرهنگ دینی، وجود رهبر و مدیر صالح و شایسته مورد توافق اکثریت جامعه را به عنوان متمرکزکننده توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در

جامعه را از عوامل مؤثر در این فرآیند به شمار آورد:

«... این عزم زمانی حاصل می شود که اون عزم ملی تبدیل بشود به وحدت ملی. پیامبر یک جامعه بسیار زیبایی تشکیل داد که در درون آن اکثریت افراد با محوریت پیامبر دارای یک اتحاد و همدلی همه جانبه و پایدار بودند.»

– راهبرد (نهادینه سازی اثربخش فرهنگ دینی)

• آموزش و نهادینه سازی فرهنگ دینی

به منظور توسعه و نهادینه سازی پایدار فرهنگ دینی می بایست همه دست اندرکاران حوزه توسعه فرهنگ دینی اعم از مدیران، برنامه ریزان، مجریان و عموم مردم با توجه به نقشی که بر عهده دارند، آموزش های لازم را در زمان مقرر دریافت کنند. به عبارت دیگر، توجه به شخصی سازی آموزش و ارائه آموزش با توجه به ویژگی های مختلف گروه های هدف و به روش های مناسب و قابل فهم برای آن ها از نکات حائز اهمیت در کلیه برنامه های توسعه فرهنگ دینی می باشد. در رابطه با این موضوع برخی از مشارکت کنندگان نظراتشان را اینگونه ابراز نمودند:

«... اگر بخواهیم یک جامعه را به سمت فرهنگ ببریم بایستی تک تک افراد را به سمت ارتقای فرهنگ دینی برد و نه یک طبقه و قشر خاص... هدف آن است که باورها و آموزه های دینی را در افراد بیشتری نهادینه و قوی تر کنیم؛ به طوری که افراد در شرایط سخت، رفتاری را که علیه باورهای دینی است را انجام ندهند.»

«... عامل اول شناخت همه مردم از فرهنگ دینی است. تا مردم جاهل باشند نسبت به فرهنگ دینی کمکی نمی کنند که ما بتوانیم فرهنگ را توسعه دهیم ولی اگر فهم مردم نسبت به فرهنگ دینی بالا رود، می توان فرهنگ دینی را توسعه داد در واقع افزایش آگاهی می تواند باعث توسعه فرهنگ دینی شود.»

• رهبری و مدیریت اثر بخش

از دیدگاه مشارکت کنندگان در پژوهش، می بایست در رابطه با برنامه های توسعه فرهنگ دینی از موازی کاری متولیان مختلف کاسته شود، و ضمن برقراری هماهنگی میان سازمانی، وحدت فرماندهی در دستگاه های متولی موضوع فرهنگ مورد تأکید قرار گیرد. به عبارت دیگر، ممکن

است نهادهای مختلفی در توسعه فرهنگ نقش داشته باشند، ولی می‌بایست همواره ذیل یک برنامه راهبردی جامع و یک نهاد هماهنگ‌کننده‌ی مرجع به اقدامات مناسب، اثربخش و در زمان مقتضی اقدام نمایند. علاوه بر آن، پاسخگویی مستمر و نظارت شده به عنوان ابزاری برای پذیرش مسئولیت نتایج و پیامدهای حاصل از عملکرد دستگاه‌های فرهنگی و ارائه پاسخ شفاف در قبال وظایف انجام شده و انجام نشده به ذی‌نفعان محسوب می‌شود. چنان که دو تن از مشارکت‌کنندگان این گونه اظهار نمودند:

«یکی از مسائل و مشکلات بحث توسعه فرهنگ دینی، مشخص نبودن متولی و عدم مسئولیت‌پذیری سازمان‌های موجود در زمینه برخی کاستی‌های فرهنگی می‌باشد. از سوی دیگر، در برخی موارد چندین ارگان متولی وجود دارد که همه کارها را می‌خواهد خودش انجام دهد. بعضی از سازمان‌ها خوب کار می‌کند ولی با هم خوب کار نمی‌کنند این سازمان‌ها باید اهدافشان تعریف شده‌تر باشد. اگر شکل سازمان‌ها به طور صحیح‌تری بسته شود قطعاً در توسعه فرهنگ دینی می‌توانند موثرتر باشند.»

«... متأسفانه اعتبار هایی که در جهت توسعه فرهنگ می‌آیند درست مصرف نمی‌شود... باید معلوم شود که این سازمان‌های فرهنگی باید به کجا جواب دهند و مردم مطالبه‌گری بهتری در مورد عملکرد آنها داشته باشند. اگر سازمان‌ها مشکلات را گردن دیگری بیندازند و دستگاه‌ها فرافکنی کنند مشکلات بیشتر می‌شود.»

• تفکر سیستمی

از شروط اصلی مدیریت سیستم فرهنگ دینی آن است که مدیران با گذر از جزئی‌نگری، فراتر از اجزای پراکنده و محدودیت‌های زمانی، مدیریت این امر خطیر را در کلیت سیستم و تعاملات شبکه‌ای و چندجانبه میان کنشگران مختلف و در افق زمانی طولانی‌تری بنگرند و با بهره‌گیری از استراتژی‌های جامع و هماهنگ اثربخش سعی در هدایت و رهبری فضای فرهنگ دینی با دیدی جامع داشته باشند. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به این مطلب چنین گفت:

«... در حال حاضر شرایط انجام کارهای فرهنگی خیلی پیچیده‌تر از گذشته است و باید همه نهادهای دینی و کارگزاران فرهنگی، صدا و سیما، خانواده‌ها و مطبوعات و آموزش و پرورش به

صورت منسجم در نهادینه کردن فرهنگ دینی تلاش کنند... نباید جزیره‌ای عمل کنیم و طوری نشود که بخواهیم استان خودمان را جلو بپندازیم بدون اینکه به ایران ببیندیشیم. ما باید به ایران فکر کنیم بعد به استان خودمان ببیندیشیم... توسعه فرهنگ دینی نیازمند برنامه‌ریزی بلند مدت و استراتژیک است و بر پایه برنامه‌ریزی بلندمدت باید باشد و برنامه‌ریزی کوتاه مدت انفعالی نمی‌تواند فرهنگ جامعه را با دین هماهنگ کند.»

- پیامد (توسعه ساختار و کارکرد نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی)

نهادینه‌سازی جامع و اثربخش توسعه فرهنگ دینی در جامعه موجب می‌گردد تا جامعه از مواهب توسعه فرهنگ دینی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی بهره‌مند گردد و زمینه لازم برای اعتلای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در همه ابعاد آن و برای اقشار و گروه‌های مختلف فراهم آید.

• توسعه ساختار و کارکرد نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی

همان‌گونه تغییرات لجام گسیخته به عنوان یک آسیب جدی برای ساختار و کارکرد هر نظام اجتماعی به شمار می‌آید، ثبات، جمود و عدم امکان تغییر نیز زمینه‌ساز از بین رفتن یک نظام می‌گردد. از این رو می‌بایست تناسبی میان قابلیت تغییرپذیری و ثبات ارکان یک سیستم وجود داشته باشد و در تمامی این تحولات، توجه به به‌روزرسانی و مطابقت با نیازها و شرایط ایجاد شده و ساختار و کارکردها با حفظ اصول اساسی ضروری می‌باشد. در نتیجه اتخاذ چنین رویکردی، انسجام و هماهنگی اجتماعی همراه با امنیت روانی و اجتماعی حاصل می‌شود. برخی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین اظهار داشتند:

«...استواری بر ارزش‌های دینی قطعاً می‌تواند پایه‌گذار توسعه فرهنگ دینی در جامعه باشد. در این شرایط روح تعاون، همکاری، ایثار، نوع دوستی، یاریگری، کاهش فاصله طبقاتی و رضایتمندی همراه با قانون‌مداری در جامعه گسترش پیدا می‌کند.»

«... فرهنگ دینی باید در ارتباطات و مناسبات اجتماعی مردم بروز و ظهور پیدا کند و کاهش جرائم و ارتقای امنیت در جامعه از پیامدهای توسعه فرهنگ دینی در جامعه است.»

3- کدگذاری انتخابی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقوله توسعه فرهنگ دینی به صورت بخشی از آرمان‌های

اساسی، فرایند توسعه کلان ملی درآمد که در نزد متولیان و دست اندرکاران فرهنگ غنی ایران اسلامی، دارای اهمیت فراوانی است. پر واضح است که توسعه پویا نیازمند شناخت دقیق اصول و ارکان اصلی دین و باز تعریف کارکردها و مظاهر دین با توجه به عوامل داخلی و بیرونی تاثیرگذار بر توسعه فرهنگ دینی می باشد. از آنجا که یکی از شاخص‌های توسعه، پویایی است از این رو پویایی مبتنی بر اجتهاد به عنوان پدیده محوری تعیین گردید.

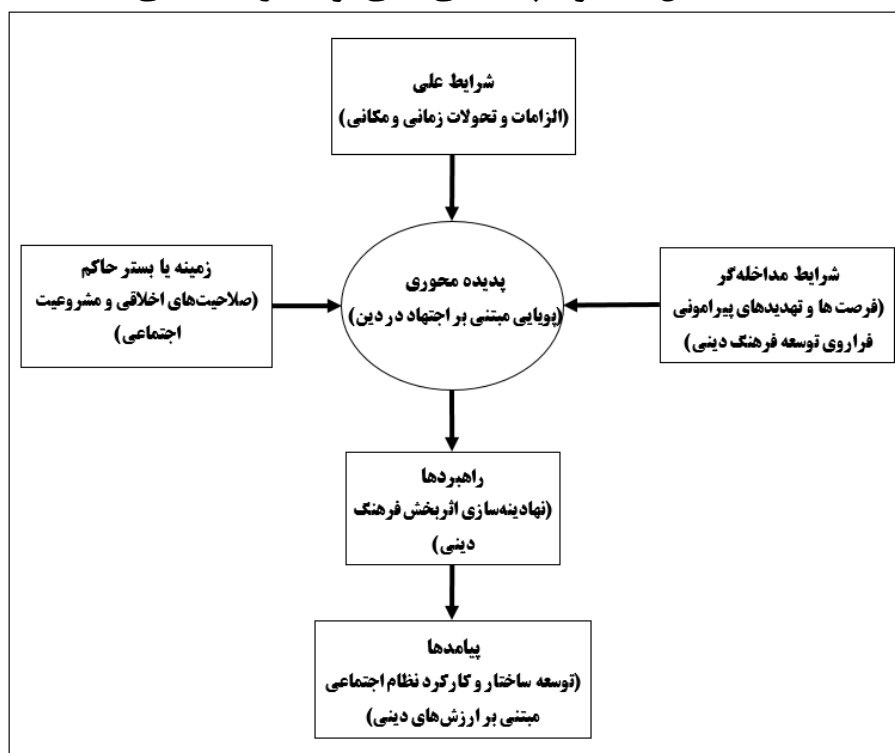
کیفیت و کمیت فعالیت‌های ذیل توسعه فرهنگ دینی تحت تأثیر یک سری عوامل بیرونی قرار دارد که موجب تقویت یا تضعیف آن برنامه‌ها می گردد. در این پژوهش تهاجم فرهنگی، امکان پذیری تحقق توسعه فرهنگ دینی از نظر ضمانت اجرایی، و صلاحیت های حرفه‌ای و کاری از جمله عوامل تاثیرگذار شناسایی شد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که ضمانت اجرایی و کیفیت اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگ دینی یکی از مهمترین دغدغه‌های مشارکت کنندگان در مسیر توسعه فرهنگ دینی به شمار می‌آید. در این راستا بر وابستگی آن برنامه‌ها به صلاحیت‌های اخلاقی و مشروعیت و مقبولیت اجتماعی مجریان و برنامه‌ریزان به طور عام و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی نظیر صداقت، عدالت محوری، داشتن دغدغه‌های فرهنگی و پرهیز از دنیا گرایی و دوری از تعصب‌های افراطی به صورت ویژه و خاص مورد تاکید مشارکت کنندگان قرار گرفت که همه این موارد موجب ارتقاء سرمایه اجتماعی متولیان و افراد جامعه می گردد.

نگاهی عمیق به وضعیت برنامه‌های توسعه فرهنگ دینی این نکته را نمایان می‌سازد که با وجود همه تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از سوی مدیران، همه آنها به یک میزان موفق نبوده و در مواردی این برنامه‌ها با مشکلاتی مواجه بوده‌اند که در برخی از مواقع منجر به اقدامات تقابلی نیز شده است. آنچه در این زمینه نقش خود را به عنوان عامل کلیدی در جهت تحقق توسعه فرهنگ دینی نمایان می‌سازد، بهره‌گیری از راهبرد مناسب همراه با توجه به جامعیت برنامه‌ها از منظر در نظر گرفتن ویژگی‌ها، علایق، ارزش‌ها و منافع اقشار و گروه‌های مختلف و پایش پایداری و اثربخشی این برنامه‌ها در طول زمان می‌باشد. از این رو داشتن تفکر سیستمی و جامع نگر همراه با رهبری و مدیریت اثربخش مبتنی بر آموزش و نهادینه‌سازی فرهنگ دینی مورد تأکید مشاکت کنندگان در پژوهش قرار گرفت چرا که آنان معتقد بودند بر اثر نهادینه شدن هدفمند، جامع و اثربخش توسعه فرهنگ

دینی، ساختار و کارکردهای نظام اجتماعی مبتنی بر دین در برابر آسیب‌های مختلف درونی و بیرونی از تاب‌آوری برخوردار شده و ضمن بهره‌مندی از انسجام و هماهنگی اجتماعی توأم با امنیت روانی و اجتماعی پایدار، موجب بالندگی بخش‌های مختلف جامعه با حفظ اصول و ارزش‌های بنیادین می‌گردد. بر اساس جمع‌بندی صورت گرفته، الگوی پارادایمی نهایی توسعه فرهنگ دینی در شکل 3 به نمایش در آمده است.

شکل 3. الگوی پارادایمی نهایی توسعه فرهنگ دینی



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به دنبال آن است تا یک الگوی نظری در ارتباط با فرهنگ دینی تبیین نماید. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی تئوری داده بنیان از داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه

ساختار یافته تعداد 78 کد اولیه در زمینه توسعه فرهنگ دینی استخراج گردید و بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین در طبقات اصلی شرایط علی (الزامات و تحولات زمانی و مکانی)، طبقه یا پدیده محوری (پویایی مبتنی بر اجتهاد در دین)، راهبردها یا کنش‌ها (نهادینه‌سازی اثربخش فرهنگ دینی)، بستر حاکم یا زمینه (صلاحیت‌های اخلاقی و مشروعیت اجتماعی)، شرایط مداخله‌گر (فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامونی فراوری توسعه فرهنگ دینی) و پیامدها (توسعه ساختار و کارکرد نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی) دسته‌بندی شدند.

با تطابق یافته‌های حاصله با یافته‌های سایر پژوهش‌ها نتایجی حاصل شد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

پویایی ماحصل و نتیجه جامعیت، جاودانگی و جهانی بودن دین اسلام است. از نظر مصاحبه‌شوندگان تأکید بر نواندیشی دینی، پویایی فرهنگ دینی، تعاملات فرا ملی، دشمن‌شناسی و هوشیاری فرهنگی مؤلفه‌های تشکیل دهنده مفهوم پویایی دین به شمار می‌آیند که این یافته تأیید کننده یافته‌های پژوهش خوشدل، فقهی زاده و دلشاد تهرانی (1396) می‌باشد.

ازجمله شرایط و عوامل شکل‌گیری فرهنگ دینی در ایران الزامات جغرافیای فرهنگی می‌باشد. این الزامات شامل تغییرات فرهنگی متأثر از موقعیت جغرافیایی و همچنین قالب‌های مختلف دینی و تغییرات فرهنگی متأثر از شرایط اجتماعی می‌باشد. این یافته توسط یافته‌های سفیری و شریفی (1384)، و حسین‌خان زاده¹ (2013) تأیید می‌شود.

از نظر مصاحبه‌شوندگان، خواست و اراده ملی (شامل عزم و اراده ملی برای توسعه فرهنگ دینی و همچنین مطالبه عمومی برای تحقق توسعه فرهنگ دینی) یکی از شرایط و عوامل شکل‌گیری فرهنگ دینی در ایران می‌باشد. این یافته همخوان با یافته‌های جباری، ثامنی، ابراهیمی خوسفی (1396) تشخیص داده شد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش از جمله زمینه‌ها و بسترها شکل‌گیری توسعه فرهنگی عدالت‌محوری است که شامل عدالت‌گرایی نظام اجتماعی و عدالت‌محوری نظام حکمرانی می‌باشد. یافته‌های پژوهش‌های ثقفی تهرانی (1386)، خوشدل، فقهی‌زاده، و دلشاد تهرانی (1396)؛ و خوشدل (1396) نیز بر این عامل تأکید دارند.

1. Hosseinkhanzadeh

نگرش دنیاگرایی به شکل‌گیری ضد ارزش‌هایی مانند: ثروت‌اندوزی و پول‌مداری و سرمایه‌داری، لذت‌گرایی، فراموشی آخرت، خودپرستی و خودخواهی، تجمل‌گرایی، قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی، خوشگذرانی، رفاه‌طلبی، تفاخر و تکاثر و ... منجر می‌شود. از این رو مصاحبه‌شوندگان بر پرهیز از دنیاگرایی که شامل کدهای اولیه فرهنگ دنیاگرایی و روحیه قدرت‌طلبی می‌باشد تأکید داشتند. این یافته همخوان با یافته‌های خوشدل (1396) و خوشدل، فقهی زاده، و دلشاد تهرانی (1396) می‌باشد.

وجود سرمایه اجتماعی مناسب به عنوان بستری مناسب برای توسعه فرهنگ دینی محسوب می‌گردد. سرمایه اجتماعی عبارت است از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌گردد و در نهایت منابع و منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، کدهای اولیه اعتماد و همبستگی اجتماعی و وحدت ملی تبیین‌کننده مفهوم سرمایه اجتماعی می‌باشند. این یافته در تطابق با یافته کاسا¹ (2015) می‌باشد.

مصاحبه‌شوندگان از تهاجم فرهنگی به عنوان یکی از موانع اصلی توسعه فرهنگ دینی نام بردند که کدهای اولیه دشمن‌شناسی و هوشیاری فرهنگی، تهاجم فرهنگی، تأثیر‌پذیری از فرهنگ غرب را شامل می‌شود. یافته‌های خوشدل (1396) مؤید این یافته می‌باشد.

توسعه فرهنگ دینی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و افزایش بهره‌وری خود نیازمند وجود برنامه‌ریزی جامع و اجرای بهینه آن است. در این راستا فرآیندهای نظام‌مند، شفاف و با ضمانت‌اجرائی از جمله مهم‌ترین عوامل به شمار می‌آید. از نظر مصاحبه‌شوندگان این پژوهش نیز ضمانت‌اجرائی (شامل کدهای اولیه ضمانت‌اجرائی سیاست‌های توسعه فرهنگ دینی، و زیر ساخت‌های قانونی توسعه فرهنگ دینی) از جمله مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر در تحقق توسعه پویای فرهنگ دینی محسوب می‌شوند. این یافته همخوان با یافته‌های خوشدل (1396) می‌باشد.

انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد که حاصل پذیرش، درونی کردن همراه با رضایت ارزش‌ها و هنجارهای آن نظام است. مصاحبه‌شوندگان این پژوهش معتقدند که انسجام و هماهنگی اجتماعی (شامل کدهای اولیه کاهش فاصله طبقاتی، تعاون و

1. Herranz-de-la-Casa

همکاری، و پایبندی به ارزش‌های فرهنگ دینی) به عنوان یکی از پیامدهای توسعه فرهنگی دینی محسوب می‌شود. این یافته همخوان با یافته‌های رانکو و جاگر^۱ (2012) می‌باشد. از دیگر پیامدها می‌توان به امنیت روانی (در تطابق با یافته حمیدی پور و رجبی، 1397) و امنیت اجتماعی (همراستا با یافته‌های حمیدی پور و رجبی، 1397؛ جوکار، براری و طوسی، 1389) اشاره کرد.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در رابطه با اقدامات و راهبردهای توسعه فرهنگ دینی بر آموزش و نهادهای سازی فرهنگ دینی (همخوان با یافته‌های خوشدل، 1396؛ هزار جریبی و صفری شالی، 1395؛ دو و دای^۲، 2018؛ کامرا^۳، 2016؛ داوسون و چاتمن^۴، 2001)، رهبری و مدیریت اثر بخش (همخوان با یافته‌های یافته‌های حسین‌خان زاده، 2013؛ بهمنی خدنگ و مولایی آرانی، 1393؛ نبوی طباطبایی، 1390؛ سلطانی و خانی، 1395) و تفکر سیستمی (همخوان با یافته‌های عینیفر و عشرتی، 1396؛ نوروزی، سلطانی و اعتباریان، 1397) تأکید کردند.

بر اساس جمع بندی یافته‌های به دست آمده پیشنهاداتی حاصل شد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

با توجه به اینکه موضوع جامع‌نگری و شناخت دقیق از نیازهای گروه‌های هدف در بحث توسعه فرهنگ دینی یکی از تأکیدات اشاره شده توسط گروه‌های مرجع بود، از این رو شناخت دقیق و جامع از نیازهای مخاطب و هویت و تاریخ گذشته هر ملتی می‌تواند گامی اساسی در این زمینه باشد لذا با توجه به اینکه اندیشکده‌های مختلفی در حوزه‌های دینی و فرهنگی در حال فعالیت هستند پیشنهاد می‌گردد تمام کنشگران مختلف و حاضر در حوزه‌های فرهنگی، دینی، مدیریتی، اجرایی و ... در قالب نظام جامع دانش و اطلاعات فرهنگی ساماندهی شده تا بدین وسیله در جایگاه ویژه خود به کنش مناسب و هماهنگ بپردازند.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که خواست و اراده ملی و مطالبه عمومی از جمله الزامات اساسی به منظور تحقق پایدار توسعه فرهنگ دینی به شمار می‌رود لذا پیشنهاد می‌شود مسئولین فرهنگی کشور به ویژه روحانیون و نخبگان علمی و دینی کشور نسبت به ترویج روحیه مطالبه‌گری

1. Runco & Jaeger
2. Du & Day
3. Kamrava
4. Davson & Chatson

مبتنی بر قانون گام برداشته و در راستای ایجاد زمینه‌های لازم به منظور نهادینه سازی و نهادمندسازی کنش ها اقدامات لازم را به عمل آورند. از آنجا که همواره ارزشها و مبانی دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه مورد تهاجم رسانه های مختلف قرار می گیرد و با توجه با تاکید فروانی که مشارکت کنندگان در پژوهش بر مقابله ی صحیح و تاثیر گذار با این تهاجم را داشتند، افزایش سطح سواد رسانه ای عموم مردم به روش های مستقیم و غیر مستقیم در سطوح مختلف مخصوصاً دانش آموزان و دانشجویان از مجاری رسمی و غیر رسمی پیشنهاد می گردد. در این راستا برنامه ریزی و سیاستگذاری دقیقتر، هدفمندتر و با استفاده از روش ها و زبان روز ضروری است.

منابع

1. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (1379). **جامعه‌شناسی توسعه**. تهران: انتشارات کیهان.
2. استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (1393). **اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها**، ترجمه بیوک محمدی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
3. بهمنی خدنگ، محمدرضا؛ مولایی آرانی، مهدی (1393). مهندسی فرهنگی و الگوی تعامل سازمان‌های فرهنگی کشور، **دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی**، 1(1)، 173-193.
4. ثقفی تهرانی، محمد (1386). **تفسیر روان جاوید**، تهران: انتشارات برهان.
5. جباری، حبیب؛ ثامنی، امیر؛ ابراهیمی خوسفی، محسن (1396). تبیین الزامات تدوین سند ملی آمایش سرزمین از منظر توسعه کالبدی، **فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی**، 4(2)، 75-92.
6. جوکار، محمد صادق؛ براری، اباذر؛ طوسی، مهدی (1389). درآمدی نظری بر چستی رابطه فرهنگ ملی و امنیت ملی در ایران، **فصلنامه مطالعات ملی**، دوره 11، شماره 1(41)، 155-178.
7. حاتمی، محمدرضا؛ قادری، علی؛ جمشیدی، علی (1395). بررسی روند تغییرات نگرشی نسل سوم در زمینه گروه‌های مرجع در دهه 1380، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، دوره 6، شماره 3.
8. حمیدی پور، رحیم؛ رجبی، فاطمه (1397). پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی براساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت، **پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران**، 1(7)، 97-111.
9. خوشدل، الهام؛ فقهی زاده، عبدالهادی؛ تهرانی، دلشاد (1396). **روش‌های توسعه‌ی فرهنگ دینی و موانع آن در قرآن و حدیث**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مذاهب اسلامی.

10. دانایی فرد، حسن؛ اسلامی، آذر (1390). **ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل**، تهران: دانشگاه امام صادق.
11. رنجبر، هادی؛ حق دوست، علی اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نسیم (1391). نمونه گیری در پژوهش های کیفی: راهنمایی برای شروع، **مجله علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران**، شماره 10، دوره 3.
12. سفیری خدیجه؛ شریفی نیره (1384)، بررسی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان و رابطه آن با گروه های مرجع، **فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره 11، 3(25)، 77-106.
13. سلطانی، محمد رضا؛ خانی، علی (1395). استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، **فصلنامه مدیریت اسلامی**، 24(2)، 105-134.
14. سنچولی، زینب (1396). تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. **فصلنامه علمی - پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی**، دوره 2، شماره 3.
15. صدیق سروسرستانی، رحمت الله؛ هاشمی، سید ضیاء (1381). گروه های مرجع در جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه های مرتن و فستینگر، **نامه علوم اجتماعی**، شماره 20، 149-167.
16. عینی فر، علیرضا؛ عشرتی، پرستو (1396). رویکردی کل نگر به نسبت فرهنگ و طبیعت در منظر فرهنگی: مورد پژوهی بم، **نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی**، 22(4)، 81-92.
17. فولادی، حفیظ الله (1391). مروری بر عوامل مؤثر در تغییر ارزش ها در جامعه دینی، **فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی**، دوه 4، شماره 7.
18. کوئن، بروس (1372). **مبانی جامعه شناسی**، ترجمه توسلی، غلامعباس و فاضل، رضا، تهران: انتشارات سمت.
19. مرادی حقیقی، فائزه؛ موثقی گیلانی، احمد (1394). کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی، **مطالعات روابط بین الملل**، دوره 8، شماره 31.

20. مرعشی، سید جعفر (1376). **پیرامون فرهنگ عمومی کشور**، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
21. میرسندسی، سید محسن؛ احمد زاده، سید مصطفی (1393). درآمدی بر مصادیق و شاخص های گروه های مرجع در قرآن کریم، **فصلنامه مطالعات اسلامی، علوم قرآن و حدیث**، دوره 46، شماره پیاپی 92، بهار و تابستان 1393، 101-129.
22. نبوی طباطبایی، ندا (1390). **ضرورت راهبردها و راهکارهای امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه**، اولین کنفرانس بین المللی شهروند مسئول، اصفهان.
23. نوروزی، منصور؛ سلطانی، ایرج؛ اعتباریان، اکبر (1397). تعیین نقش استراتژی بر مدیریت عملکرد سازمان‌های فرهنگی، **فصلنامه مدیریت توسعه و تحول**، 35، 49-56.
24. هزار جریبی، جعفر؛ آقاییگی کلاکی، محمد (1390). عوامل مؤثر بر گزینش گروه های مرجع در بین دانشجویان (مطالعه جامعه شناسی تغییر گروه های مرجع در بین دانشجویان اصفهان و صنعتی اصفهان)، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره 54.
25. هزار جریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (1395). بررسی چرایی دگرگونی‌های گروه مرجع در بین دانشجویان، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، 6(18)، 17-44.
26. Dawson, E. M., & Chatman, E. A. (2001). Reference group theory with implications for information studies: a theoretical essay. *Information Research*, 6(3), 6-3.
27. Du, K., & Dai, Y. (2018). The doctrine of the mean: Reference groups and public information systems development. *The Journal of Strategic Information Systems*, 27(3), 257-273.
28. Herranz-de-la-Casa, J. M., Manfredi-Sánchez, J. L., & Cabezuelo-Lorenzo, F. (2015). Latest trends and initiatives in corporate social responsibility: A communicational analysis of successful cases of arts and culture in Spain. *Catalan Journal of Communication & Cultural Studies*, 7(2), 217-229.
29. Hosseinkhanzadeh, A. A., Yeganeh, T., & Mojallal, M. (2013). The relationship of the religious orientations and attitudes with self-control among students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 759-762.

30. Kamra, S. (2016). Law and Radical Rhetoric in British India: The 1897 Trial of Bal Gangadhar Tilak. *South Asia: Journal of South Asian Studies*, 39(3), 546-559.
31. Kuper, A. & J. Kuper (1996). *The Social Encyclopedia*. Second Edition. London and New York: Routledge Press
32. Runco, M. A., & Jaeger, G. J. (2012). The standard definition of creativity. *Creativity research journal*, 24(1), 92-96.